فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc198825928)

[مقام چهارم؛ فیلم 2](#_Toc198825929)

[فرق مقام چهارم با مقام سوم 3](#_Toc198825930)

[نکته اول 3](#_Toc198825931)

[جواب نکته اول 3](#_Toc198825932)

[نکته دوم: ارتکاز 4](#_Toc198825933)

[نکته سوم: هتک 4](#_Toc198825934)

[نکته چهارم 5](#_Toc198825935)

[مقام پنجم یا بحث تکمیلی 5](#_Toc198825936)

[پدیده‌های مهم فقهی 5](#_Toc198825937)

[موضوع اول 6](#_Toc198825938)

[موضوع دوم: نکات ناظر بر مقامات غیر نظر 6](#_Toc198825939)

[نکته اول 6](#_Toc198825940)

[نکته دوم: اختیارات ولایی 7](#_Toc198825941)

[نکته سوم 7](#_Toc198825942)

[نکته چهارم 8](#_Toc198825943)

**موضوع: مبحث نگاه / استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی**

# پیشگفتار

بحث در اقسام نگاه غیرمستقیم به نامحرم بود که مقام اول همان نگاه از طریق عینک و شیشه و امثال اینها بو د و مقام دوم نگاه از طریق آینه و امثال آن بود و مقام سوم نگاه به نامحرم به شکل غیرمستقیم از طریق نقاشی و عکس یا به عنوان مثالی که به آن هم می‌شود ملحق کرد مجسمه بود. این بسته سومی بود که محل بحث قرار گرفت.

گفتیم عمده ادله همان حدود دوازده دلیل پایه‌ای است که در مقام دوم مطرح شد و تفاوت آن ادله در این مقام بیان کردیم و حکم آن تقریباً حکم سابق می‌شد.

البته مثل مجسمه، عکس ممکن است از منظرهای دیگری که عناوین ثانویه یا احکام ولایی است در ابعاد دیگر تفاوت‌های جدید داشته باشد که این را در پایان بحث عرض خواهیم کرد.

این هم چند نوع نگاه غیرمستقیم بود که در مقام سوم بحث شد.

در پیشرو مقام چهارم خواهد بود که مربوط به فیلم است و آنچه مشابه فیلم، مستقیم و غیرمستقیم و بعد هم مقام پنجم یا تکمله‌ای است که آن هم مستقیم با بحث نظر ارتباط ندارد ولی مباحث مهمی است که ذاتاً ارزش دارد و غیرمستقیم هم ممکن است ارتباط داشته باشد.

# مقام چهارم؛ فیلم

فیلم مستقیم و غیرمستقیم و حقیقت فیلم همان تصویر است، فیلم همان تصویر است منتهی تصویرها وقتی توالی پیوسته‌ای داشته باشد، فیلم می‌شود و الا واقعیت آن جز تصویر نیست. البته این تصویرهای متوالی پیوسته گاهی در جایی ذخیره می‌شود و بعد مجدد منتشر می‌شود و بعد فیلم می‌شود و گاهی مستقیم در همان لحظه‌ای که اتفاق می‌افتد یا با فاصله‌ای خیلی کم، چون انتقال نور است، منتقل می‌شود.

مقام چهارم فیلم است که متتالیه و متوالیه بسرعةٍ است که به شکل متحرک در می‌آید اگر هم‌زمان باشد خیلی منطبق بر آن واقعه یا شخصی که فیلم او منعکس می‌شود، هست.

این محل بحث چهارم است و این غیر از بحث دیگری است که در مقام دیگری باید بحث بکنیم یا ذیل آن، فیلم به معنای دیگری است، مثل فیلم حضرت موسی علیه‌السلام است.

بحث فیلم که می‌کنیم؛ مستقیم و غیرمستقیم یعنی تصویرهایی که متتالی و متوالی جمع می‌شود، ذخیره می‌شود و باز پخش می‌شود یا مستقیم و زنده است و مباشر و منتشر می‌شود. در مقام چهارم این محل بحث است نه آن فیلم به آن معنایی که بعد عرض می‌کنیم.

نسبت به این موضوع هم الکلام الکلام، یعنی مثل آن چیزی است که دیروز در مقام سوم عرض کردیم و گفتیم باید مقتضای آن دوازده دلیل را باید دید.

آن دوازده دلیل که به یک معنا ۹ یا ده دلیل بود، به یک دلیل هم به چهارده دلیل می‌رسید، گفتیم بعضی از آن‌ها اینجا اصلاً مصداق ندارد، محل جریان نیست، همان‌طور که دیروز توضیح دادیم. بعضی جاری است و دیروز می‌گفتیم جریان آن اضعف است.

# فرق مقام چهارم با مقام سوم

فرقی که اینجا دارد و تنها نکته‌ای که باقی است از آن چیزی که شبیه آن را دیروز در مقام سوم گفتیم و الان در مقام چهارم است، این نکته می‌تواند فارقی باشد غیر از آن عناوین ثانوی. این نکته می‌تواند فارق بشود.

## نکته اول

این که در فیلم به خصوص فیلم زنده، آن تسامح عرفی خیلی بالا است آن که در دلیل چهارم می‌گفتیم النظر الی الشخص بما له من المعنی العرفی بقدر نظر عن ابحاث دقیقه و العملیه صادق فی صورة النظر الیها فی المرآة و نحوها که دو تقریر هم داشت، تقریر ادقی داشت که تمرکز روی منظورالیه بود، نه روی نظر، هر کدام از آن تقریرها را بگیریم ممکن است کسی بگوید آن دلیل چهارم، (طبق نوشته من، دلیل چهارم است) آن دلیلی که روی صدق نظر یا منظورالیه با یک تسامحی تأکید داشت ممکن است کسی اینجا بگوید نسبت به فیلم تفاوت دارد و صدق این اقرب است. در مقایسه با عکس، می‌گوید این آن است و این تسامح اینجا وجود دارد و این همانی در نگاه عرفی قوی‌تر است بخصوص در فیلم مباشر، این یک تفاوت است.

## جواب نکته اول

که جواب آن همان جواب است. این آن نیست، یک چیز دیگری است. این و تسامح در تطبیق هم اعتباری ندارد مگر اینکه به حدی برسد که مفهوم یک مفهوم اوسعی باشد که یک تقریر هم این بود که آن مفهوم اوسع است به خاطر یَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ، یا لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ سوره و امثال اینها. هر دو سه بیان اینجا محل مناقشه است وقتی دقیق نگاه بکنند و به عرف هم نگاه بکنند می‌گویند این آن نیست کما اینکه گفته‌ای که اول عرض شد که فیلم با عکس چه فرقی دارد

ابتدائاً بچه‌ای که با این آشنا شده است فیلم و عکس را متفاوت ببیند ولی دقتی که بکند می‌بیند فیلم همان عکس است، عکس‌های متوالی با سرعت حرکت می‌کند و منشأ این نمی‌شود که بگوییم موضوع این آن است و به خاطر یک‌ عدم دقت و تسامحی که همان عرف هم به آن توجه می‌کند. از این نظر است که یک تفاوتی است که در اینجا ممکن است مطرح بشود ولی تفاوت در آن حد نیست.

چهار پنج دلیل اینجا مطرح نیست، آن دلایلی که اینجا مطرح است ممکن است بگوییم اینجا تسامح مقداری قوی‌تر است، این درست است تسامح قوی‌تر است ولی تسامح است.

## نکته دوم: ارتکاز

ممکن است کسی بگوید ارتکاز اینجا قوی‌تر است به هر دلیلی عرف وقتی می‌بیند به این شکلی که انجام می‌پذیرد، تصویرهای متوالی چنان تنظیم می‌شود که گویا خود آن هست، این را نزدیک‌تر می‌بیند، ارتکاز او می‌گوید این در واقع نه اینکه تسامح می‌کند می‌گوید این با مذاق شارع جور نیست، مذاق و ارتکاز را می‌خواهد بگوید

این چیزی است که اینجا قوی‌تر است، ولی در عین حال این در حدی که اطمینانی بشود این همان است و مذاق در اینجا آن را اقتضاء می‌کند این هم شاید نباشد.

## نکته سوم: هتک

اینجا قوی‌تر است، اگر جایی باشد که زن متکشف نیست، متحجب است و نمی‌خواسته است این بشود، منتشر می‌کند و به او نگاه می‌کند، هتک اینجا مقداری قوی‌تر باشد، این هم در این جهت.

هتک را ما قبول داشتیم جایی صدق هتک کند آنجا قبول داشتیم اینجا هم قبول داریم.

نکته قبلی گرچه اینجا مقداری اوضح و ضریب احتمالی آن بالاتر است اما به حدی نمی‌رسد که بگوییم دلیل اینجا را می‌گیرد‌ اما هتک را هم آنجا قبول داشتیم و هم اینجا قبول داریم. به هر دو معنایی از هتک که فرد یا هتک صنف را قبول داشتیم اینجا هم هست.

البته این فیلم گرفتن و نشر کردن و پخش کردن داستان‌های دیگری دارد که در مقامات دیگر بحث می‌کنیم. دیروز کمی به آن پرداختیم

در آن عناوین ثانوی دیگری که در فرایندهای قبلی فیلم و پخش فیلم مترتب می‌شود یعنی بر فرایندهای قبلی نگاه مکلف به فیلم مترتب می‌شود یعنی بر آن پخش فیلم، نگاه فیلم، گرفتن فیلم یا اینکه شخص خود را در معرض گرفتن این فیلم قرار بدهد، فیلم غیر صحیح، آن عناوین ثانویه قوی دارد که این را بحث می‌کنیم.

سؤال: آیا خیال و تصویرسازی ذهنی را می‌شود به عکس ملحق کرد؟ شخصی خانمی را سربرهنه دیده است بعد این تصویر را به ذهن بیاورد؟

جواب: سابق راجع به خیال و تصویر بحث‌هایی داشته‌ایم، به‌طورکلی گفتیم ارتکازات می‌گوید این‌ها حرام نیست. مگر اینکه مقدمه حرام بشود. بعضی ادله مشعر به حلیت است، گفته می‌شود مکروه است.

در بحث فقه افعال جوانحی به خاطر یکی دو دلیل گفتیم علی الاصول چیزهای ذهنی حرام نیست. به خاطر الغاء خصوصیت از حدیث حسد است. چند دلیل آنجا هست ولی مکروهیت جای خود دارد.

سؤال: فرق تصویر خارجی با تصویر ذهنی

جواب: فرق در ادله است، ذاتاً که فرق دارد. فرق فلسفی دارد، فرق فلسفی این است که للشئ غیر الکون فی الاعیان کون بنفسه لدی الاذهان. وقتی صورت آن خانم را در ذهن می‌آورد این صورت از نظر فلسفی، شبح نیست، این غیر الکون فی الاعیان، کون بنفسه لدی الاذهان این از نظر فلسفی فرق می‌کند از نظر ماهوی این همان است، از نظر عرفی هم شاید فرق بکند، آنجا ادله‌ای هست از قبیل آن کلی که عرض کردم و آن‌ها می‌گوید ذات خیال‌پردازی، حرام نیست. کراهت دارد.

## نکته چهارم

این است که عنوان ثانوی تلذذ و ریبه اینجا قوی‌تر است، در مثل فیلم مخصوصاً فیلم مستقیم. ما گفتیم همه این‌ها حرام است، چهار پنج استثناء قوی بود در حدی که درست این بود که اول باید می‌گفتیم اگر اینها نبود، آن وقت جایز است.

اینها موجب می‌شود عناوین تلذذ و ریبه و هتک در اینها قوی‌تر باشد که اینها را قبول داشتیم که در فرض وجود اینها حرام است.

ایذاء، اضرار، هتک، تحقیر، همه آن قاعده کلی مبتلا است که اطلاق اینها را خیلی نمی‌شود پذیرفت مگر قدر متیقنی باشد که قدر متیقن آن اینجا هست.

دلیل اطلاق دارد که کسی ایذاء بکند دیگری را، عذابی برای او گفته شده است، من آذاء مومناً فقد حاربنی روایت، همان جا گفتیم یک ارتکازی وجود دارد که یقین داریم این اطلاق مراد نیست، برای اینکه ایذاء‌های عادی و معمولی است که صبح تا شب انجام می‌شود، متدینین هم انجامم می‌دهند، قطع داریم مشمول آن نیست، لذا آن اطلاق مراد نیست و دنبال آن از نظر اصولی چه باید کرد جای خود.

مقاماتی بود که اینجا عرض شد، تفاوت اصولی میان مقام دو و سه و چهار نمی‌بینیم با عرض عریضی که اینجا داشت، از عکس و مجسمه و چیزهای دیگر، تا شکل‌های دیگری از قبیل فیلم و انیمیشن و کذا همه ملحق به اینها می‌شود و وجهی ندارد جز اینکه یکی از عناوین تلذذ و ریبه و هتک و امثال اینها باشد.

# مقام پنجم یا بحث تکمیلی

برای اینکه این مجموعه بحث کامل بشود لااقل یک پرتوی به زوایا و ابعاد دیگری که با این مسئله مرتبط است، یک مبحث دیگری به عنوان مقام پنجم یا تکمله‌ای یا تبصره‌ای ذیل بحث مناسب است که طرح بکنیم.

چند موضوع غیر از نظر وجود دارد که استطراداً اینجا اشاره‌ای به آن می‌کنیم، آنکه تا اینجا و در کل مباحث چند سال ما مورد بحث بوده است، نگاه به دیگران است، اما در همین جا که این مقامات مطرح شد چند اتفاق و پدیده دیگر وجود دارد که آن‌ها از نظر فقهی مهم است

# پدیده‌های مهم فقهی

و آن‌ها عبارت از چند موضوع است؛

## موضوع اول

الان نظر می‌گفتیم، یکی ابداء خود شخص یا تکشف آن شخص است که این واضح‌تر است که در جای خود باید محل بحث قرار بگیرد، اینجا هم می‌خواهیم به آن اشاره‌ای بکنیم.

۱- مبحث نگاه مکلف به نامحرم است با این روش‌ها و شکل غیرمستقیم.

۲- تکشف نامحرم است به یکی از این اشکال. ستر نکند، تکشف بکند با آینه، با آب زلال، با عکس، با مجسمه، یعنی اجازه می‌دهد برای او مجسمه بسازند، تکشف می‌کند برای او مجسمه بسازند، یا انیمیشن، یا تکشف می‌کند که از او فیلم بگیرند.

۳- ساخت اینها است، اینکه کسی فیلم یا مجسمه را بسازد، تولید بکند، این چیزهایی که زمینه نگاه غیرمستقیم از یک نامحرم است، از محرم است ولی نامحرم هم استفاده می‌شود

۴- نشر و ترویج و اشاعه اینها است

اینها چند موضوع است که در خور بحث است و اهمیت دارد.

اینها چند موضوع دیگر است که غیر از نظر است و اتفاقاً آن‌ها در دنیای امروز محل ابتلا است که باید به آن‌ها توجهی داشته باشیم.

چند نکته را نسبت به این مقامات اشاره می‌کنم این مباحثی که غیر از نظر است، یعنی خود تکشف است، ساخت فیلم و انیمیشن و دیگری اشاعه و انتشار است و دیگری تکسب آن هم هست، به طبع اینها اگر چیزی حرام شد، تکسب آن‌ها هم در مکاسب محرمه می‌رود.

اکتساب که تابع این است که چه چیزی حرام است و چه چیزی حرام نیست، اگر چیزی حرام بود، اکتساب و تکسب آن طبق قواعد حرام می‌شود.

## موضوع دوم: نکات ناظر بر مقامات غیر نظر

### نکته اول

نسبت به این مقامات غیر نظر، است که غیر از آن عنوان هتک اینجا چند عنوان ثانوی هست که خیلی ولایی نیست، عنوان ثانوی است، از قبیل اضلال است و اشاعه فحشا و امثال اینها است که در این بازار فحشاء غیر فیزیکی و در فضای مجازی یا بازاری که به آن بازار سکس گفته می‌شود و چیزهایی از این قبیل، این عناوین ثانوی دارد که غیر از این بحث‌هایی است که ما داریم و آن اضلال است که باید بحث کرد، شاید همه زوایای آن بحث نشده است

اضلال یا آنکه در معرض اضلال است، چون اضلال به خاطر اهمیت آن در چیزهایی تابع این نیست که بداند الان به ضلالی می‌انجامد، همین که در معرض ضلال قرار بدهد، یا فی‌الجمله بداند، این کافی است که حرام باشد و قاعده حرمت اضلال اینجا را می‌گیرد.

یا قاعده اشاعه فحشا اینها عناوینی است که در فرایند تولید و نشر صادق است

منتهی اینها در تولید ممکن است گفته شود این نیست، لذا آن اعانه بر اضلال می‌شود، ولی در نشر آن اضلال است.

بنابراین قواعدی مثل حرمت اضلال و حرمت اشاعه فحشاء و از این قبیل قواعد هست که در این مقامات غیر نظر یا مستقیم شمول دارد و صدق می‌کند یا بر بعضی از اینها صدق می‌کند و بر بعضی دیگر اعانه بر اثم می‌شود یا تعاون می‌شود.

این یک بحث است البته تفاصیلی دارد که باید دید ولی این هست که عناوین ثانویه که در واقع قواعد عامه هست، عناوین ثانویه همه جا دقیق نیست، قواعد عامه‌ای هست که بر اینها منطبق می‌شود.

اینکه می‌گویم قاعده اضلال بحث دارد، یکی همین است که اضلال حرامٌ ولی این اضلال گاهی گناه صغیره است و گاهی کبیره است، در کبیره هم دارای مراتب است، تابع حرمت آن چیزی است که در آن گمراهی اتفاق می‌افتد.

این یک مسئله که توجه داشته باشیم در محورهای غیر نظر این عناوین وجود دارد، کما اینکه در نظر هم گاهی این‌طور است، اینکه بچه ببیند که پدر او می‌بیند، خود این دیدن برای او اضلال برای اوست، یعنی او را هم در این ورطه می‌افکند و لذا غیر از عنوان‌های مثل هتک که خیلی مهم بود، عنوان‌های مثل اضلال و اشاعه فحشا و امثال اینها است که در همه این فرایندهایی که گفته شد مصداق دارد؛ یا خود آن مصداق است یا اعانه بر اثم را درست می‌کند. با اختلافی که در بحث اعانه هست یا اشاعه فحشا که در این فرایندها باید مورد مداقه قرار گیرد.

### نکته دوم: اختیارات ولایی

که مقداری اوسع از عناوین ثانوی است طبق یک نظر.

### نکته سوم

این است که یک بحث در ملازمه بین جواز تکشف و جواز نظر وجود داشت یا وجوب ستر و حرمت نظر، بارها اینجا بحث شد و یک بار هم کامل بحث شد و آن بحث این است که اگر دلیل بگوید خود را نمایان نکن، ستر بکن، این مستلزم این است که طرف مقابل هم نگاه نکند یا خیر؟

یا بگوید می‌توانی خود را نشان بدهی، آیا به این معنا است که او هم می‌تواند نگاه بکند؟

این دو ملازمه از این طرف.

حرمت کشف یا جواز کشف و استلزام آن نسبت به حرمت نظر یا جواز نظر.

از آن طرف هم دو ملازمه محل بحث است که اگر به این گفت نگاه نکن؛ آیا این مستلزم آن است که او خود را بپوشاند؟ یا اینکه این گفت می‌توانی نگاه بکنی، آیا به این معنا است که او هم می‌تواند کشف بکند؟

این چهار ملازمه بین این دو حکم است که سابق بحث کردیم و گفتیم که در مثل آیه شریفه غض این ملازمه تمام است با بیان خاصی که عرض کردیم.

روح آن نظریه این بود که گفتیم اشعار به ملازمه اینجا وجود دارد، یک قرینه‌ای لازم است که آن را تکمیل بکند و آن را به ظهور تبدیل بشود لذا در آیه غض می‌گفتیم ملازمه هست. آیه ابداء غض، ملازمه عرفیه را با بیانی که اشاره شد قبول داشتیم

اما نکته این است که در ساخت فیلم، نشر فیلم، در یک امر محرمی اگر دلیل گفت تو نباید این پخش را انجام بدهی، به دلیل اینکه این پخش در معرض فساد و ضلال قرار می‌دهد، یا اشاعه فحشا است، اگر دلیل این را گفت، این مستلزم این است که آن که مواجه با این است هم نمی‌تواند نگاه بکند؟

اینجا معلوم نیست آن ملازمه در غض و ابداء که در آیه گفتیم اینجا تمام باشد، برای اینکه آن ملازمه محکمی نبود و قرینه خاصی می‌خواست. کما اینکه در بحث صلاة این طور است، می‌گوید مقابل مَحرَم هم خود را بپوشان، اگر نپوشاند و غافل بود می‌تواند به موی او هم نگاه بکند. یعنی مواردی در شرع هست که از هم تفکیک شده است و ممکن است این از آن قبیل باشد.

منتهی در باب نظر و ابداء و آن‌ها که در آیات سوره نور، بود گفتیم شواهدی است و شواهد را آنجا گفتیم به خاطر آن‌ها می‌گوییم این ملازمه‌ای که زمینه آن وجود دارد تام است.

اما در جایی که نباشد، نیست، اینجا هم همان است، قاعده می‌گوید تو اضلال نکن، او از نشر مطلق این ممنوع بوده است ولی تخلف کرد و نشر داد، این هم که نگاه می‌کند، نه تلذذ است، نه ریبه است و نه هتک، هیچ کدام نیست، بگوییم چون او از این اقدام ممنوع بود، تو هم نمی‌توانی نگاه بکنی علی الاطلاق؟ چنین ملازمه‌ای معلوم نیست باشد.

### نکته چهارم

این است که غیر از بحث اضلال در ساخت یک مسائل دیگری هم وجود دارد از قبیل اینکه کسی که می‌سازد، ممکن است غیر از بحث اسناد، ساخت آن هم همراه با یک حرام باشد، او حرام را مرتکب می‌شود، ممکن است او از محرم خود فیلم می‌گیرد، ولی کسی دیگر آن را پخش می‌کند، او هیچ حرامی را مرتکب نشده است.

لذا ساخت اینها ملازم با ارتکاب حرام نیست ولو اینکه نشر آن ممکن است موجب اشاعه فحشا بشود. چون به نامحرم می‌رسد.

پس آن ملازمه اینجا خیلی قطعی نیست، ساخت هم همیشه این‌جور نیست که ملازم با حرام باشد ولی ممکن است در مراحل بعد حرام بشود و این مراحل می‌تواند از هم جدا بشود کما اینکه در ساخت مجسمه بحث‌های دیگری هست، یا در آن توصیف هم بحث تشبیه وجود دارد آن جای خود.

این اشاراتی به مجموعه این فرایند بود. فقط سه چهار نکته کلیدی آن را عرض کردیم. از جمع‌بندی آن بخش‌های دیگر عبور می‌کنیم.